

مجله‌ی حافظ‌پژوهی

(مرکز حافظ‌شناسی - کرسی پژوهشی حافظ)

سال ۲۳، شماره‌ی ۲۳ (دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲)، بهار ۱۳۹۹

سه‌گانه‌ی سلیم نیساری

خسرو قاسمیان*

دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

چکیده

بررسی کارنامه‌ی حافظ‌پژوهان، از سویی به معرفی و جایگاه پژوهشگران کمک می‌کند و از سویی نیز به بازشدن زاویه‌هایی از شعر و شخصیت حافظ. نوع نگاه و چگونگی پرداختن هر پژوهشگر به موضوع مورد پژوهش، دو معیار شایان توجه در حوزه‌ی پژوهش و ترازویی دقیق برای سنجش علمی هر پژوهشگر است. از سلیم نیساری درباره‌ی حافظ، سه اثر منتشر شده است با نام‌های: *مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ*، *دفتر دگرسانی‌های غزل‌های حافظ* و *تصحیح دیوان حافظ که آن‌ها را «سه‌گانه‌ی نیساری در حافظ‌پژوهی» نامیده‌ایم*. با تکیه بر آن‌ها گزارشی تهیه و ارائه کرده‌ایم که تا حدود زیادی موقعیت علمی و ادبی ایشان را در حافظ‌شناسی ترسیم و توصیف می‌کند. البته در این مقاله، نقد کارهای تحقیقی نیساری مورد نظر نبوده است بلکه تمرکز بر معرفی کلی «سه‌گانه‌ی نیساری» در حافظ‌پژوهی و تهیه‌ی گزارشی از سه نقد عالمانه و دقیق ایشان بر سه تصحیح از دیوان حافظ بوده است که به همت زنده‌یادان «قزوینی - غنی»، «مسعود فرزاد» و «پرویز خانلری» صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: قزوینی، فرزاد، خانلری، نیساری، حافظ.

۱. مقدمه: سه‌گانه‌ی نیساری در حافظ‌پژوهی

از شعار «حافظ بس» زنده‌یاد امیری‌فیروزکوهی^۱، بیش از نیم‌قرن می‌گذرد و برخلاف نظر و پیشنهاد ایشان نه‌تنها در حوزه‌ی حافظ‌پژوهی، وقفه‌ای ایجاد نشده است که خوشبختانه گرایش‌ها و کوشش‌های بیشتری نیز درباره‌ی حافظ و شعر او صورت گرفته

* استادیار بخش فارسی دانشکده‌ی پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز،

khosrow.ghasemian@gmail.com

است و می‌گیرد. ظرفیت شعر حافظ از یک‌سو و نیاز جامعه به آن از سوی، حاکی از آنند که باب حافظ‌پژوهی را باید همچنان باز نگاه داشت و فرصت پژوهش در این قلمرو را غنیمت شمرد. از میان حافظ‌پژوهان مطرح و آثار ارجمند و راهگشای آنان، نام زنده‌یاد سلیم نیساری با پژوهش‌های ماندگارش از درخششی ویژه برخوردار است.

پژوهش‌های نیساری را در قلمرو حافظ‌شناسی می‌توان به سه دسته‌ی کلی تقسیم‌بندی کرد و آن‌ها را «سه‌گانه‌ی» نیساری در این حوزه برشمرد؛ سه‌گانه‌ای که هرکدام به منزله‌ی ضلعی از اضلاع یک مثلث‌اند و بدون هریک، مثلی در کار نخواهد بود و درعین‌حال هرکدام نیز استقلال و ارزش وجودی منحصر به خود را دارند. سه ضلع این مثلث از هندسه‌ی حافظ‌پژوهی نیساری، عبارتند از: سه مجموعه‌ی مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ^۱، دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ و دیوان حافظ^۲ براساس پنجاه نسخه‌ی خطی قرن نهم.

در این مقاله، مجال پرداختن به این سه اثر ارزشمند وجود ندارد و تنها پس از اشاره‌ای کوتاه به آن‌ها، از سه نقد نیساری بر تصحیح‌های سه مصحح بر دیوان حافظ، یعنی «قزوینی- غنی»، «مسعود فرزاد» و «خانلری» در کتاب مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ، گزارشی ارائه می‌شود.

الف. دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ: در این مجموعه‌ی دو جلدی و ۱۵۹۸ صفحه‌ای که در سال ۱۳۸۵ به همت انتشارات فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی به زیور طبع آراسته شده، پنجاه نسخه‌ی خطی دیوان حافظ متعلق به قرن نهم، معرفی و شعرهای حافظ براساس آن‌ها تصحیح و اختلاف نسخه بدل‌ها به‌صورتی عالمانه و دقیق ارائه گردیده است.^۳

ب. تصحیح دیوان حافظ: دفتر دگرسانی‌ها که سند ماندگار و درخور تامل نسخه‌پژوهی در حوزه‌ی حافظ‌شناسی است، درخت پر برگ و باری است که میوه‌ی آن تصحیح دیوان حافظ است. بنابراین ضلع دوم از مثلث حافظ‌پژوهی نیساری، تصحیح دیوان حافظ است که براساس پنجاه نسخه‌ی خطی قرن نهم و با شیوه و معیارهای خاص خود صورت گرفته است.^۴

در بخش نخست تصحیح دیوان حافظ، تعداد ۴۲۴ غزل به ترتیب، شماره‌گذاری و ثبت شده و تعداد ۵۰ غزل نیز در بخش دوم با عنوان پیوست‌ها آمده و یک ترکیب‌بند و

۱۰۵ — مجله‌ی حافظ پژوهی، شماره‌ی ۲۳، سال ۲۳ (دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲)، بهار ۱۳۹۹
چهارده قصیده و پنج مثنوی و سی‌وهشت قطعه و بیست رباعی نیز در ادامه‌ی آن ثبت
شده است. البته پژوهش‌های زنده‌یاد نیساری به‌ویژه در تصحیح دیوان حافظ، مانند هر
پژوهش دیگری، مورد اتفاق همگان و در امان از اختلاف نظر نیست.

ج. مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ: چاپ اول کتاب مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های
حافظ در آبان‌ماه ۱۳۶۷ در چاپ‌خانه‌ی بهمن در ۳۲۰۰ نسخه راهی بازار شد. این کتاب
۲۳۷ صفحه‌ای، در هفت گفتار با عنوان‌هایی به این شرح نوشته و تدوین شده است:
«آغاز تدوین دیوان حافظ»، «دوره‌ی رواج نسخه‌های خطی»، «دوره‌ی رواج چاپ»،
«تاریخچه‌ی شناسایی، معرفی و استفاده از نسخه‌های خطی قرن نهم»، «بررسی انتقادی
سه چاپ مشهور قزوینی، فرزاد و خانلری»، «از سخن حافظ تا ضبط نسخه‌های خطی و
از ضبط نسخه‌های خطی تا نمونه‌های چاپی» و «ضوابط تدوین غزل‌های حافظ». فهرست
عناوین درشت و ریز این هفت گفتار، مشتمل بر ۴۹ مورد است که همه خواندنی و
درخور توجه‌اند، ولی از آن‌ها می‌گذریم و تنها از نقدهای نویسنده بر سه
تصحیح علامه «قزوینی - غنی»، «مسعود فرزاد» و «خانلری» از دیوان حافظ گزارشی را
ارائه می‌دهیم.

۲. گزارش نقدهای نیساری

نقدهای مورد نظر، به ترتیبی که در کتاب مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ آمده است،
گزارش می‌شود.

۱.۲. نقد حافظ قزوینی - غنی

از کتاب ۲۳۷ صفحه‌ای مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ، ۹۶ صفحه به نقد و بررسی سه
تصحیح دیوان حافظ، یعنی نسخه‌های «قزوینی - غنی»، «مسعود فرزاد» و «خانلری»
اختصاص یافته و از این ۹۶ صفحه، ۴۸ صفحه، به نقد نسخه‌ی قزوینی مختص شده است.
نسخه‌ی مکتوب سال ۸۲۷ قمری که متعلق به خانواده‌ی شادروان سید عبدالرحیم
خلخالی است و اساس چاپ ۱۳۰۶ خلخالی از دیوان حافظ در ۹۱ سال پیش است، پس
از گذشتن ۱۶ سال از آن، در سال ۱۳۲۰ به همت پژوهشگر سترگ، محمد قزوینی و
همکاری غنی، به زیور چاپ آراسته شده است. نسخه‌ی ۸۲۷ تا سال ۱۳۴۹ به‌عنوان

قدیم‌ترین نسخه‌ی خطی دیوان حافظ به حساب می‌آید. چاپ این نسخه‌ی خطی که نخست به همت خلخال‌ی سپس به کوشش قزوینی و غنی صورت می‌گیرد، در ایران به منزله‌ی نقطه‌ی آغازی در چاپ غزل‌های حافظ به‌شمار می‌رود. البته با چاپ قزوینی از این نسخه، نه تنها میدان برای حضور نسخه‌ی خلخال‌ی تنگ می‌گردد، که چاپ قزوینی، همچنان به‌عنوان بهترین نسخه‌ی چاپی از دیوان حافظ محسوب می‌شود و هنوز در بازار حافظ‌خوانی و حافظ‌پژوهی، حضوری چشمگیر دارد.

با توجه به غلط‌های فاحشی که از نسخه‌ی خطی ماخذ قزوینی به نسخه‌ی چاپی ایشان راه یافته و برخی اشکال‌های دیگر که بر چاپ وی وارد است و نیساری آن‌ها را با دقت و نقد عالمانه و موشکافانه‌ی خود نشان داده است، می‌توان به ارزش کار نیساری و حضور قاطع ایشان پی برد.

بنا به گزارش نیساری، قزوینی و غنی، نسخه‌ی خطی خلخال‌ی را با نسخه‌ی چاپی خلخال‌ی مقابله و اختلاف‌های آن‌ها را در حاشیه‌ی یک نسخه‌ی چاپی خلخال‌ی یادداشت می‌کنند و سال‌های بعد نیساری در مسیر حافظ‌پژوهی به دنبال نسخه‌ای که دارای یادداشت‌های قزوینی است به جاهای مختلفی سر می‌زند ولی به آن نمی‌رسد. پس از جست‌وجوهای فراوان، به راهنمایی یکی از دوستان خود به نسخه‌ای از دیوان حافظ چاپ معرفت شیراز دست می‌یابد که پاره‌ای از یادداشت‌های قزوینی را به همراه داشته است و در نهایت با کمک شمس‌الدین خلخال‌ی فرزند عبدالرحیم خلخال‌ی، نسخه‌ی خطی ۸۲۷ را می‌آورند و در خردادماه ۱۳۶۶ هجری شمسی، یعنی ۴۶ سال بعد از چاپ قزوینی، به اتفاق هم و به مدت پنج‌ماه نسخه‌ی چاپی قزوینی را با نسخه‌ی ۸۲۷ خلخال‌ی با هم مقابله و اختلاف‌های آن‌ها را در حاشیه‌ی یکی از نسخه‌های چاپی قزوینی-غنی از دیوان حافظ یادداشت می‌کنند.

یادآوری این نکته خالی از لطف نیست که گاه نام بزرگان مانع از آن می‌شود که کار آن‌ها نقد شود و یا بهتر بگوییم، برخی ناقدان، به سبب احترام یا ابهت نام‌های بزرگ و مطرح، اجازه‌ی ورود به حریم فکری و نقد آن‌ها را به خود نمی‌دهند؛ اما نیساری با نهایت ادب و احترام برای علامه قزوینی، به حریم پژوهشی ایشان در تصحیح دیوان حافظ وارد می‌شود و نقدی دقیق و عالمانه را بر تصحیح ایشان از دیوان حافظ به دست می‌دهد.

۱۰۷ ————— مجله‌ی حافظ پژوهی، شماره‌ی ۲۳، سال ۲۳ (دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲)، بهار ۱۳۹۹
برای اینکه با نقد و نظر نیساری درباره‌ی حافظ قزوینی - غنی بیشتر آشنا شویم،
نخست در بند ۱ به مآخذ کار قزوینی در تصحیح دیوان حافظ اشاره می‌شود و در
بندهای دیگر به پاره‌ای از ایرادهای نیساری بر کار ایشان پرداخته می‌شود.

۱.۱.۲. انتخاب مآخذ

علامه قزوینی، علاوه بر نسخه‌ی خطی ۸۲۷ خلخال‌ی که در آن زمان قدیمی‌ترین نسخه‌ی
چاپی دیوان حافظ محسوب می‌شده، تعدادی دیگر از نسخه‌های خطی را نیز می‌یابد و
در مجموع با توجه به هجده نسخه، کار تصحیح دیوان حافظ را پی می‌گیرد. البته از
چهار نسخه به‌عنوان نسخه‌های جانبی و تأییدکننده و از نه نسخه‌ی دیگر که دیرتر به
دستش می‌رسد، تنها در تصحیح مقدمه‌ی جامع دیوان و قصاید بهره می‌گیرد و از شرح
سودی بر غزل‌های حافظ نیز بسیار استفاده می‌کند و از دو سه نسخه‌ی چاپی دیگر نیز
کمک می‌گیرد.

۲.۱.۲. روش تدوین غزل‌ها

قزوینی در تصحیح و تدوین غزل‌ها به دو موضوع «کمیت اشعار» و «صحت و سقم
عبارات» توجه می‌کند و در خصوص کمیت غزل‌ها و بیت‌ها، نسخه‌ی خلخال‌ی را ملاک
کار خود قرار می‌دهد و می‌گوید جز دو سه غزل، هرچه در نسخه‌ی خلخال‌ی موجود
نیست در سه نسخه‌ی دیگر هم که اساس کار است، نیست؛ اما وقتی قزوینی در
مقدمه‌ی خود اظهار می‌کند که با هدف چاپی «مکمل و مصحح و مضبوط» از دیوان
حافظ، به این کار اقدام نموده است. اگر سه نسخه‌ی دیگر اساس کار ایشان قرار است
نقشی در تصحیح داشته باشند، باید می‌گفت که آن دو سه غزل که در نسخه‌ی خلخال‌ی
نیست، در کدام یک از دیگر نسخه‌های اساس اوست که متأسفانه در این مورد اشاره‌ای
نکرده است؛ بنابراین اکنون به کمک نسخه‌های کهن و معتبر دیوان حافظ می‌دانیم که چند
غزل زیر که از غزل‌های مسلم حافظ است، متأسفانه در نسخه‌ی قزوینی نیامده است:

۱. صبح دولت می‌دمد کو جام همچون آفتاب...

۲. مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید...

۳. ز دل بر آدم و کار بر نمی‌آید...

۴. جانان تو را که گفت که احوال ما مپرس...

۳.۱.۲. بیت‌های الحاقی

قزوینی در صفحه‌ی «م» مقدمه‌ی خود اظهار می‌کند که هرچه از غزل‌ها و بیت‌های متفرقه در نسخه‌ی خلخالی نبود، همه را مطلقاً کالعدم انگاشته است و در زیر همان صفحه می‌گوید: «مگر در دو سه مورد بسیار نادر، بعضی ابیات متفرقه‌ی مشتمل بر نام یکی از ممدوحین حافظ در آخر بعضی غزل‌ها... احتیاطاً این ابیات را در جای خود برطبق سایر نسخ درج کردیم...» (نیساری، ۱۳۶۷: ۱۰۳)؛ در صورتی که در مقایسه‌ی نسخه‌های چاپی او با نسخه‌ی خطی خلخالی، متوجه می‌شویم که در ۲۰ مورد، ۳۱ بیت بر ضبط غزل‌های نسخه‌ی خلخالی افزوده شده است.

۴.۱.۲. تغییرها در ترتیب بیت‌ها

قزوینی در مقدمه‌ی مشروح و مفصل خود درباره‌ی ترتیب بیت‌ها و تغییراتی که داده است، سخنی به میان نیاورده است و از آنجا که تصریح نموده که از نظر کمیت، منحصرأ نسخه‌ی خلخالی را اساس کار خود قرار داده است، این‌گونه برداشت می‌شود که از نظر ترتیب ابیات غزل‌ها نیز از نسخه‌ی خلخالی پیروی کرده است؛ درحالی که در ضمن مقابله‌ی نسخه‌ی قزوینی با چاپ خطی خلخالی، مشاهده می‌شود که در ۲۱ مورد، تفاوت در نظم غزل‌ها رخ داده است که با وجود آنکه بر اصل عمل ایرادی وارد نیست، این تغییرها به حساب نسخه‌ی خطی خلخالی گذاشته شده است.

درخصوص غزل‌های مکرر نیز می‌گوید نسخه‌ی خلخالی دارای ۴۹۶ غزل است که با حذف یک غزل مکرر، به ۴۹۵ می‌رسد؛ در صورتی که در نسخه‌ی خطی خلخالی، تعداد ۶ غزل مکرر دیده می‌شود^۶ و جمع غزل‌های آن ۵۰۱ فقره است.^۷

۵.۱.۲. اختلاف در کلمات و عبارات

پس از مقابله‌ی متن چاپی ۴۹۵ غزل مندرج در چاپ قزوینی با ضبط نسخه‌ی خلخالی، مشخص گردید که ۲۸۵ مورد اختلاف در متن آن وجود دارد! علاوه بر این، از ۱۳ موردی که در مقدمه‌ی قزوینی به‌عنوان نمونه‌هایی از غلط‌های فاحش مطرح شده است، ردیف نخست آن‌ها، مصراع «سوز دل بین که ز بس آتش اشکم چون شمع» است که این مورد در برخی نسخه‌های خطی دیگر هم به همین صورت آمده است و نمی‌توان آن را جزو غلط‌های فاحش نسخه‌ی خلخالی به‌شمار آورد.^۸

۶.۱.۲. نسخه‌بدل‌ها

از ۲۸۵ مورد اختلاف میان نسخه‌ی خطی خلخال‌ی و چاپ قزوینی، ۱۸۵ مورد آن را می‌توان در ردیف دیگرسانی‌های نسخه‌ای دانست که در اصطلاح پژوهشگران به نسخه-بدل مشهورند؛ زیرا ضبط نسخه‌ی خلخال‌ی در این موارد، غلط و بی‌معنی نیست ولی در چاپ قزوینی، قرائت دیگری اختیار شده است.

متأسفانه زیر صفحه‌های چاپ قزوینی، تنها به ۲۰ مورد از اختلاف در نسخه‌بدل‌های نسخه‌ی خلخال‌ی اشاره شده و به ۶۵ مورد دیگر از تغییر ضبط‌ها اشاره‌ای نشده است.^۹

۷.۱.۲. املا‌ی ناجور

برای آشنایان با زبان فارسی روشن است که نگارش پاره‌ای از واژه‌ها در گذشته با امروز تفاوت‌هایی داشته است. این مسئله به‌خصوص در پیوند با چهار حرف «پ»، «ج»، «ژ»، «گ» و تفاوت آن‌ها که با چهار حرف «ب»، «ج»، «ز»، «ک» رعایت نمی‌شده است، یا پاره‌ای حرف‌ها و نشانه‌های نگارشی دیگر که گاه خوانش کلمات و تشخیص درست و غلط آن‌ها را با دشواری مواجه می‌کرده است، همیشه در پژوهش‌های نسخه‌ای اهمیت خاصی داشته است.

به‌عنوان مثال نشانه‌ی یای وحدت، یای نسبت، به دنبال کلمات مختوم به های بیان مصوت که در نسخه‌های خطی مانند نشانه‌ی اضافه و به صورت یای کوتاه «ه» نوشته می‌شده، در املا‌ی امروزی دیگر پذیرفته نیست. همچنین نشانه‌ی جمع «ها» به دنبال کلمه‌های مختوم به حرف «ه» بیان مصوت که در نسخه‌های خطی متصل به کلمه و با حذف «ه» از آخر کلمه نوشته می‌شده، اکنون بدون حذف «ه» و جدا از کلمه نوشته می‌شود.

البته در پنجاه‌شصت سال پیش، این دو مورد اخیر رعایت نشده است و به‌همین سبب در چاپ قزوینی نیز همه‌جا به جای نشانه‌ی یای وحدت و یای خطاب و یای نسبت، به دنبال کلمه‌های مختوم به های بیان واکه، نشانه‌ی همزه به‌کاررفته است و به‌طور مثال در بیت زیر، میان نشانه‌ی اضافه و نشانه‌ی یای وحدت، به دنبال کلمه‌ی «حلقه» در چاپ قزوینی، فرقی منظور نشده است:

مقیم حلقه ذکر است دل بدان امید که حلقه ز سر زلف یار بگشاید

از این‌ها گذشته، کلمه و ترکیب‌هایی مانند گله‌های شب فراق، خرقه‌ها، نافه‌ها، لطیفه‌ها، مژه‌ها و... در چاپ قزوینی به صورت گلهای شب فراق، خرقها، نافها، لطیفها و

مژده‌ها آمده است که ناشران امروزی برای ساده‌کردن کار خود آن‌ها را به همین صورت ارائه می‌دهند و بسیاری از خوانندگان در خوانش آن‌ها به دشواری می‌افتند. غیر از این‌ها، واژه‌هایی مانند «کنج» و «گنج» نیز در چند موضع از اشعار حافظ، با دشواری در خواندن و تشخیص درست آن‌ها روبه‌روست.^{۱۰}

۸.۱.۲. غلط‌ها و اشتباه‌های دست‌نویسی چاپ قزوینی

بی‌گمان نخستین اقدام در تصحیح یک نسخه‌ی خطی، اصلاح اشتباه‌های دست‌نویسی آن است که علامه قزوینی نیز در مقدمه‌ی خود، بر این مهم تاکید کرده است. چنانکه بیش از این نیز گفته شد، در چاپ قزوینی ۱۶۰ اشتباه دست‌نویسی کاتب نسخه‌ی خطی خلخال‌ی اصلاح گردیده است ولی باز دست‌کم ۲۷ اشتباه دیگر نسخه‌ی خطی در چاپ قزوینی راه یافته است. همچنین نیساری در گزارش خود، هفت غلط راه‌یافته در متن چاپی قزوینی از دیوان حافظ را با شماره‌ی غزل و بیت نقل می‌کند و چهار سهو در رونویسی را هم نشان می‌دهد.

۹.۱.۲. ضبط‌های نارسا

منظور از ضبط‌های نارسا، مواردی است که از نظر لفظ و معنا در مقایسه با ضبط دیگر، مقبول به نظر نمی‌رسد. شاید بیشتر این ضبط‌های نارسا که در هیچ نسخه‌ی دیگر نیست، در واقع یک اشتباه دست‌نویسی باشد.

نیساری وعده‌ی ارائه‌ی فهرست ضبط‌های نارسا را به‌عنوان پیوست ۱ به آخر کتاب موکول می‌کند که در پایان کتاب دیده نمی‌شود ولی در ادامه‌ی بحث خود می‌گوید که دست‌کم ۱۵ مورد از قرائت‌های رضایت‌بخش نسخه‌ی خطی خلخال‌ی، در چاپ قزوینی به ضبط‌هایی تغییر یافته است که در صحت آن‌ها تردید وجود دارد و به هیچ‌یک از این تغییرها هم در حاشیه‌ی صفحه‌های چاپ قزوینی اشاره‌ای نشده است. برای این‌گونه موارد می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

غزل ۲۵۲، بیت سوم:

معرفت نیست در این قوم خدا را سببی تا برم گوهر خود را به خریدار دگر
در نسخه‌ی خطی، «خدایا» نوشته شده است و ضبط نسخه‌های کهن و معتبر قرن نهم نیز «خدایا سببی» است. در صفحه‌ی ۱۷۱ چاپ قزوینی که «خدا را» به جای

۱۱۱ — مجله‌ی حافظ پژوهی، شماره‌ی ۲۳، سال ۲۳ (دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲)، بهار ۱۳۹۹
«خدایا» چاپ شده است. در زیر صفحه به ضبط اصلی نسخه‌ی خلخال اشاره نشده و معلوم هم نگردیده که متن چاپی از کدام نسخه گرفته شده است.

غزل ۱۱۶، بیت هفتم:

کسی که از ره تقوا قدم برون نهاد به عزم میکده اکنون ره سفر دارد
در نسخه‌ی خطی خلخال «سر سفر دارد» کتابت شده و در نسخه‌های قرن نهم نیز «ره سفر» دیده نشده است و در زیر صفحه نیز تصریح نشده که این تغییر به استناد کدام نسخه در چاپ قزوینی آمده است.

غزل ۶۵، بیت هفتم:

سهو و خطای بنده گرش اعتبار نیست معنی عفو و رحمت آمرزگار چیست
در نسخه‌ی خطی خلخال «گرش نیست اعتبار» نوشته شده و در نسخه‌ی کهن نیز مانند نسخه‌ی خلخال است و معلوم نیست این تغییر از کجا به چاپ قزوینی راه پیدا کرده است.

غزل ۲۰۶، بیت هشتم:

رشته‌ی تسیح اگر بگسست معذورم بدار دستم اندر دامن ساقی سیمین ساق بود
در نسخه‌ی خطی خلخال، «دستم اندر ساعد» نوشته شده است و در هیچ نسخه‌ی خطی معتبر نیز «دامن» به جای «ساعد» نیامده است و در زیر صفحه هم گفته نشده است که «دستم اندر دامن ساقی» از کدام نسخه گرفته شده است.

نیساری در ادامه‌ی نقد خود بر چاپ قزوینی از دیوان حافظ، احتمال می‌دهد که چون نسخه‌ی اساس چاپ قزوینی، نسخه‌ی خطی ۸۲۷ خلخال بوده است، در موقع رونویسی متن قزوینی، از نسخه‌ی چاپی خلخال استفاده شده باشد و پاره‌ای اشتباه‌هایی که به متن چاپی قزوینی راه یافته از طریق نسخه‌ی چاپی خلخال راه یافته باشد. نیساری در پایان نقد خود بر چاپ قزوینی، به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌گوید:

چاپ قزوینی در مدت چهل و هفت سال که از تاریخ انتشار آن می‌گذرد، بیش از هر متن دیگری از دیوان حافظ، تجدید چاپ شده و خواننده داشته و در نسخه بدل‌ها به آن استناد شده است و علاقه‌مندان به پژوهش در دیوان حافظ نیز از چاپ قزوینی در دو ویژگی بهره گرفته‌اند: یکی در نقش معرفی نسخه‌ی خطی مکتوب به سال ۸۲۷ و دیگری در چهره‌ی یک متن منقح و مورد اعتماد و مستند از شعر حافظ که باید گفت:

چاپ قزوینی با همه‌ی محسنات خود، چون در ضبط غزل‌ها با نسخه‌ی خطی ۸۲۷ در ۲۸۵ مورد مغایرت دارد و از این مقدار، در ۲۱۱ مورد غیر از غلط‌های چاپی، به ضبط اصلی نسخه‌ی خطی اشاره نشده است و ۳۱ بیت نیز از منابع دیگر بر محتوای غزل‌ها افزوده شده است، طبعاً معرف تمام‌عیار نسخه‌ی مورخ ۸۲۷ نیست و در حکم یک چاپ مستند تک‌نسخه‌ای تلقی نمی‌شود و هرچند عده‌ای متن غزل‌های حافظ را در قالب و به صورتی می‌پذیرند که با آن انس و الفت گرفته‌اند، توقع و انتظار پژوهشگران از یک چاپ مستند آن است که مطمئن شوند هر کلمه و عبارتی در غزل‌ها، مستند به منابعی کهن و معتبر است. بنابراین با پیشرفت‌هایی که از جهت شناسایی و امکان بررسی انتقادی اختلاف ضبط‌ها در ده‌ها نسخه‌ی معتبر قرن نهم فراهم گردیده است، چاپ ۱۳۲۰ علامه قزوینی را نمی‌توان یک متن مستند با مقیاس‌ها و معیارهای امروز به‌شمار آورد.

۲.۲. نقد حافظ مسعود فرزاد

نیساری، ضمن اینکه شیوه‌ی مسعود فرزاد را در تصحیح غزل‌های حافظ ذوقی می‌داند، به نقد و بررسی چهار ویژگی از کار فرزاد یعنی «مراحل پنج‌گانه»، «انتخاب منابع»، «گردآوری متون منسوب به حافظ» و «تشخیص صحت کلمات» می‌پردازد و زیر عنوان «مراحل پنج‌گانه»، با اعتقاد به اینکه در تصحیح غزل‌های حافظ باید به سه ماده‌ی «غزل»، «بیت» و «کلمه» عنایت داشت، معیارهای فرزاد را برای تصحیح شعر حافظ مشتمل بر این پنج مورد برمی‌شمارد: ۱. جمع‌آوری مجموع متن منسوب به حافظ؛ ۲. تشخیص اصالت غزل‌ها؛ ۳. تشخیص صحت کلمات؛ ۴. تشخیص اصالت ابیات؛ ۵. تشخیص توالی اصیل ابیات.

مسعود فرزاد درباره‌ی معیارهای پنج‌گانه‌ی خود می‌گوید: «یک شرط مسلم کار علمی آن است که اولاً هر مرحله‌ی کار از مراحل دیگر تفکیک شود و از آن گذشته، توالی مراحل کار صحیحاً تنظیم و به‌دقت در ضمن عمل رعایت شود؛ زیرا منتقد نمی‌تواند قبل از تکمیل مطالعه در هر مرحله، به کار مربوط به هیچ‌یک از مراحل بعدی بپردازد» (نیساری، ۱۳۶۷: ۱۴۸). استاد نیساری ضمن تأیید این مطلب که هر محقق می‌تواند برای خود شیوه و برنامه‌ی تحقیقاتی ویژه‌ای داشته باشد، می‌گوید: «خواننده‌ی گزارش‌های تحقیقی فرزاد، حق دارد بپرسد که اگر پژوهنده می‌تواند نتایج تحقیقات

۱۱۳ ————— مجله‌ی حافظ پژوهی، شماره‌ی ۲۳، سال ۲۳ (دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲)، بهار ۱۳۹۹
خود را پس از طی بررسی‌های لازم درباره‌ی یک غزل (از بابت اصالت آن و ترتیب صحیح ابیات و صحت کلمات) به صورت قطعی و نهایی یک‌جا در اختیار خواننده قرار دهد، چرا این نتیجه را در اجرای جداگانه به صورت ناقص و مشروط و موکول به تکمیل در فرصت بعدی قرار می‌دهد؟»

فرزاد گاهی مسئله‌ای را که باید در مرحله‌ای معین، فیصله یابد، برخلاف طرح و نظر خود، ناقص و مبهم رها می‌کند و جواب قطعی آن را به طی مرحله‌ی بعدی موکول می‌کند؛ به‌طور مثال در کتاب حافظ، صحت کلمات و اصالت غزل‌ها که باید تکلیف اصالت غزل‌ها روشن شود، در مورد غزل شماره‌ی ۲۶۷ می‌نویسد: «درباره‌ی اصالت این غزل نیز ذهن من خالی از شک نیست ولی جواب نهایی این مسئله موکول به طی مرحله‌ی تشخیص اصالت ابیات این غزل خواهد بود» (همان: ۱۴۹).

نیساری زیر «انتخاب منابع» از میان منابع دوازده‌گانه‌ی فرزاد، تنها سه منبع را متعلق به قرن نهم می‌داند و نسخه‌ی خطی ۸۹۳ را به منزله‌ی نسخه‌ی اساس کار ایشان برمی‌شمارد و چهار متن چاپی خلخال، لکنهور، قدسی و پژمان را نیز جزو دوازده نسخه‌ی فرزاد برمی‌شمارد و نظر فرزاد را که دوره‌های زمانی نسخه‌برداری از غزل‌های حافظ را به سه دوره‌ی قرن نهم، قرن دهم تا اواسط قرن یازدهم و از اواسط یازدهم به بعد می‌داند و نسخه‌های خود را نماینده‌ی هر سه دوره می‌خواند، درست و پاسخگو نمی‌داند.

نیساری در زیر «متون منسوب به حافظ» نیز با توجه به این مطلب که فرزاد می‌گوید نخست باید همه‌ی اشعار حافظ یک‌جا گردآوری شود و در مرحله‌ی دوم تحقیق، به مدد قضاوت انتقادی، غزل‌های مردود و مشکوک و غیر اصل کنار گذاشته شود، می‌گوید: اگر از ابتدا به مدد قضاوت انتقادی یا هر ضابطه‌ی دیگر می‌دانیم غزلی در شأن حافظ نیست و مردود است، چه لزومی دارد که رنج حمل بار سنگین چنین کاری را تا مخزن اشعار حافظ بپذیریم و پس از بررسی انتقادی به این نتیجه برسیم که باید آن را دوباره به جای اول برگردانیم؟ ایشان همچنین می‌گوید از میان ۷۱۹ غزل موجود در متن جامع نسخه حافظ فرزاد و ۲۳ غزل مندرج در بخش ضمایم آن، بیش از ۳۰۰ غزل به گروه غزل‌های مشکوک و مردود تعلق دارد و مقداری بیت‌های زاید نیز به‌چشم می‌خورد.

نیساری زیر عنوان «مسئله‌ی تشخیص صحت کلمات» نخست این قول فرزاد را نقل می‌کند که: «حافظ فقط اوراق متفرق و پاک‌نویس‌نشده‌ای به جا گذاشت... و بر اثر مصایبی که در سال‌های آخر عمرش (مخصوصاً از زمان عزیمت به یزد به بعد) بر او وارد آمد، توانایی و فرصت آن را نیافت که از حیث کلمات و مخصوصاً از حیث عده و توالی ابیات، متن نهایی غزل‌های خود را آنچنان که مطلوب او بود تنظیم کند... باید در این موارد ببینیم از آن ماده‌ی خام که او به جا گذاشت، امروزه با اتکا بر اصول شعری و هنری و انتقادی خود حافظ تا چه اندازه می‌توانیم به کمال مطلوبی که خودش به علت ناراستی روزگار و غدر اهل عصر هرگز بدان دست نیافت نزدیک بشویم» (نیساری، ۱۳۶۷: ۱۵۲)

نیساری در پاسخ ایشان نیز می‌گوید: از این بیان معلوم می‌شود که مؤلف در تصحیح متن غزل‌های حافظ در جست‌وجوی کمال مطلوبی است که حتا یک درجه بالاتر از مدارکی است که از حافظ به‌جامانده و او آن‌ها را به ماده‌ی خام تشبیه می‌کند. در تعیین ضابطه‌ی تشخیص صحت کلمات، نظر فرزاد این است که رأی اقدم نسخ و همچنین رأی اغلب منابع از همه‌ی دلایل دیگر نسبتاً سست‌تر و غیرقابل اعتمادتر است (همان: ۱۵۳).

فرزاد در جست‌وجوی حافظ صحیح، هر کلمه‌ای را که به ذوق و سلیقه‌ی خود مناسب می‌بیند حتا از متن یا حاشیه‌ی یک چاپ مغلوط نیز برمی‌گزیند؛ چنانکه اظهار نظر زیر از فرزاد مثالی است از میان موارد بسیار درباره‌ی منبع یکی از قرائت‌ها: «... متن مطابق قرائت منحصر در ق (چاپ قدسی) است و بر فرض هم تصرف جدید باشد، آن را بر هر دو قرائت دیگر مرجع می‌دانم. «ق» خدمت دقیقی به حافظ کرده و این بیت را از ابهام نجات بخشیده است. به‌هر حال این از مواردی است که هیچ‌یک از نسخ قدیم (و به اصطلاح مشهور و معتبر) صورت رضایت‌بخشی برای متن، ضبط نکرده‌اند» (نیساری، ۱۳۶۷: ۱۵۴).

فرزاد در جایی دیگر در پاسخ این سؤال که مسئله‌ی انتخاب از میان نسخه‌بدل‌ها باید متکی بر چه ملاک و ضابطه‌ای باشد، می‌گوید: «در کتاب حاضر در هیچ موردی متعمداً ذوق شخصی را دخالت نداده‌ام؛ بلکه همواره خواسته‌ام نتیجه‌ی کار من مبتنی بر قضاوت بی‌غرضانه و منطقی درباره‌ی قرائت‌های مختلف مضبوط در منابع متن باشد...»

و در جایی دیگر، در پاسخ به نقل قولی که از خلخال‌ی شده مبنی بر اینکه تصحیح غزل‌های حافظ با قریحه‌ی شخصی مشکل و بلکه محال است، می‌گوید: «من رفع همه‌ی این مشکلات یا لااقل اغلب آن‌ها را به وسیله‌ی سلیقه‌ی شخصی ممکن می‌دانم و جز به وسیله‌ی شخصی ناممکن...» (همان: ۱۵۵).

نیساری می‌گوید فرزاد نخست متن هر غزل را به صورتی که از منابع خود برگزیده می‌آورد و بعد زیرعنوان «یادداشت تحقیقی» اگر توضیحی را در مورد اصالت غزل لازم بداند می‌افزاید و آنگاه متن منتخب خود را با نسخه‌بدل‌های دیگر مقایسه می‌کند.

باید گفت درخصوص یادداشت‌های تحقیقی فرزاد به غیر از نارسایی منابع و استناد به ضبط‌های نارسا و اشتباه در نقل و رونویسی، عوامل دیگری نیز دخالت دارند؛ از جمله: اشکال در خواندن نسخه‌های خطی، تفسیرهای مبتنی بر ذوق و استنباط شخصی، تناقض میان متن منتخب و یادداشت‌های تحقیقی، اظهارنظرهای ضد و نقیض و توسل به تصحیح قیاسی!

نیساری در ادامه‌ی نقد خود بر کار فرزاد، با ذکر این نکته که شرح و توضیح همه‌ی عوامل مورد اشاره موجب طولانی‌شدن بحث می‌شود، زیر عنوان‌های «اشتباه در نقل و رونویسی»، «تناقض میان متن منتخب و یادداشت تحقیقی»، «نقل غلط‌های چاپی به گزارش از نیمه‌راه»، «اشکال در خواندن نسخه‌های خطی»، «اظهارنظرهای ضد و نقیض»، «تصحیح قیاسی» و «نتیجه‌گیری»، نقدهای نکته‌سنج و سازنده‌ای را بر کار مسعود فرزاد وارد می‌کند که برای جلوگیری از درازشدن دامنه‌ی سخن، از ورود به آن‌ها پرهیز و به ذکر چند ایراد بسنده می‌شود. خوانندگان علاقه‌مند و کنجکاو می‌توانند به کتاب ارزشمند مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ مراجعه کنند.

نیساری با توجه به این گفته‌ی فرزاد که پس از چاپ جامع نسخ، چند غلط چاپی معدود در آن دیدم و هیچ‌کدام هم غلط فاحش نیست و...، می‌گوید: مؤلف در متن منتخب خود به جای اینکه متن صحیح یعنی ضبط اصلی نسخه‌ی خطی اساس را در نظر بگیرد، اشتباه‌های رونویسی یا چاپی کتاب جامع را مورد استفاده قرار داده است.^{۱۱} در رونویسی نسخه‌ی خطی «م»، اشتباه‌های متعددی رخ داده است که غلط‌های چاپی راه‌یافته در متن غزل‌ها دست‌کم ۷۸ فقره است و چنانکه فهرست‌وار گفته شد، اشکال در

خواندن نسخه‌های خطی و اظهار نظرهای ضد و نقیض نیز در کار فرزاد خیلی چشمگیر است.^{۱۲}

درخصوص اظهار نظرهای ضد و نقیض فرزاد می‌گوید گاهی در جایی می‌نویسد: «به خاطر ندارم که هیچ‌جا حافظ چنین کلمه‌ای به کار برده باشد» و در جایی دیگر کلمه‌ای مطرود را «حافظوار» و گفته‌ی اصیل حافظ برمی‌شمارد! به عنوان نمونه در جایی می‌نویسد «شبخوان»، مزیت قاطع بر نسخه‌ی بدل «خوشخوان» دارد و در جایی دیگر می‌نویسد «شبخوان» نسخه‌ی بدل غلطی است! یا در جایی درباره‌ی مصراع «سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند» می‌گوید حافظ در کلمات «چمان، چرا، چمن»، صنعت تکرار را رعایت کرده است و در جایی دیگر مصراع «زین چمن سایه‌ی آن سرو روان ما را بس» را در متن آورده و درباره‌ی نسخه‌ی بدل «سرو چمان» می‌نویسد: «سرو چمان غلط آشکار است؛ سرو نمی‌تواند بیچمد» درباره‌ی مصراع «بهای باده‌ی چون لعل چیست، گوهر عقل» در مقایسه‌ی «گوهر» با نسخه‌ی بدل «جوهر» می‌نویسد که «متن [گوهر] را مرجح می‌دانم... [زیرا] تجارت گوهر می‌توان داشت اما تجارت جوهر غیرمصطلح است» (همان: ۱۶۱-۱۶۲) و در صفحه‌ی مقابل در متن غزل ۱۹۷، این مصراع را می‌خوانیم: بهای باده‌ی چون لعل چیست، جوهر عقل.

ایشان در جایی نیز می‌گوید: «حافظ هنگام تخلص، یا «حافظ» می‌گوید یا «حافظا» و به خاطر ندارم که در هیچ موردی «ای حافظ» به کار برده باشد» و استاد نیساری در پاسخ ایشان می‌گوید: اگر این راه کوتاه «به‌خاطرنداشتن» و اتکا به حافظه اختیار نمی‌شد، مصحح با یک مراجعه‌ی ساده به ابیات تخلص در متن منتخب خود می‌توانست این چند نمونه را بیابد: «ای حافظ ار مراد مسیر شدی مدام...»، «تو آتش گشتی ای حافظ ولی با یار در نگرفت» و «چو عندلیب، فصاحت فروشد ای حافظ» (همان: ۱۶۳).

نیساری در بخش پایانی نقد خود، زیر عنوان «نتیجه‌گیری»، با یادآوری این مطلب که شادروان فرزاد در تنظیم ده جلد کتاب جامع نسخ حافظ، زحمات زیادی متحمل شده است و شاید کار ایشان از این نظر که دربرگیرنده‌ی همه‌ی اشعار اصیل و مشکوک و مردود حافظ است، برای بعضی از خوانندگان جالب باشد، می‌گوید با مقابله‌کردن متن چاپی جامع نسخ فرزاد با نسخه‌ی خطی ۸۹۳ که نسخه‌ی اساس ایشان بوده است، به تغییراتی به شرح زیر رسیده است:

- ۱۱۷ — مجله‌ی حافظ پژوهی، شماره‌ی ۲۳، سال ۲۳ (دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲)، بهار ۱۳۹۹
۱. غلط‌های چاپی ۷۸ فقره که از این تعداد در غلطنامه‌ی آخر کتاب جامع نسخ، تنها به ۸ مورد اشاره شده است؛
 ۲. اشتباه در نقل و رونویسی از نسخه‌ی خطی، ۵۷ فقره؛
 ۳. بدخوانی نسخه‌ی خطی ۱۲ فقره؛
 ۴. تغییر املا‌ی نسخه‌ی خطی ۶۸ فقره.
- بنابراین جمع اشتباه‌های یادشده که در حاصل کار فرزدا به‌چشمی‌خورد ۲۱۵ مورد است!

جالب است که فرزاد در مقدمه‌ی جلد اول کتاب حافظ، صحت کلمات درباره‌ی غلط‌های جامع نسخ حافظ می‌نویسد: «لازم است کسی در آینده زحمت مقابله‌ی مجدد جامع نسخ حافظ را با همه‌ی منابع دوازده‌گانه خطی و چاپی من بکشد و مقابله‌نامه‌ی کامل را که شامل موارد اختلاف هر یک از آن منابع با متن چاپ‌شده‌ی جامع نسخ حافظ باشد، تنظیم و منتشر کند تا در چاپ دوم کتاب مزبور مورد استفاده قرار بگیرد...» (همان: ۱۶۶)

۳.۲. نقد حافظ خانلری

چاپ نخست دیوان حافظ به کوشش خانلری در یک جلد و در سال ۱۳۵۹ در بنیاد فرهنگ ایران و چاپ دوم آن در دو جلد و در سال ۱۳۶۲ در انتشارات خوارزمی منتشر شده است. منابع مورد استفاده‌ی مصحح، چهارده نسخه است که ۹ نسخه‌ی از آن کامل و ۵ نسخه منتخب هستند که در میان ۹ نسخه، کهن‌ترین، نسخه‌ی مورخ ۸۱۳ است.

مصحح از چاپ قزوینی - غنی به جای نسخه‌ی خطی ۸۲۷ با نشانه‌ی «ل» و از چاپ جلالی نائینی و نذیراحمد به جای نسخه‌ی خطی ۸۲۴ با نشانه‌ی «ی» استفاده کرده ولی در مواردی که متن منتخب بر ضبط منحصر در «ل» یا «ی» متکی می‌شود، متن چاپی با آن دو مطابقت ندارد. به‌طوری که در گزارش خانلری آمده است، ایشان در انتخاب غزل‌ها با توجه به سه نکته‌ی زیر کار خود را به پیش می‌برند که:

۱. چون هیچ نسخه‌ای از دیوان حافظ را از اشعار الحاقی و منسوب به دیگران خالی نمی‌دانسته، بنای کار خود را بر این گذاشته که آنچه را به‌طور مسلم از حافظ می‌شمرده ثبت کند.

۲. از درج اشعار سست و ضعیف که انتساب آن‌ها به حافظ دشوار است، صرف‌نظر نموده است.

۳. برای تفکیک غزل از قصیده، برخلاف معمول که تنها به اختلاف در شماره‌ی ابیات آن‌ها توجه کرده‌اند، به مضمون شعر توجه نموده است (نیساری، ۱۷۰:۱۳۶۷-۱۷۱).

نیساری می‌گوید مصحح، نکته‌ی اول و دوم را تنها در مورد غزل‌هایی که منحصراً در یک یا دو نسخه مضبوط بوده‌اند، رعایت کرده و غزل‌هایی را که در سه نسخه یا بیشتر آمده‌اند، قطع‌نظر از هر خصوصیتی که داشته‌اند، در متن آورده است و در خصوص نکته‌ی سوم نیز، تنها چکامه‌ی جوزا سحر نهاد حمایل برابرم... را که مشتمل بر ۲۶ بیت است به قسمت قصاید برده‌اند و بقیه‌ی قصیده‌های کوتاه را در ردیف غزل‌ها و در متن حفظ کرده‌اند.

نیساری روش مصحح در انتخاب کلمات و عبارات غزل‌ها را در سه ضابطه برمی‌شمارد و پس از آن زیر عنوان «تصحیح قیاسی»، نخست این قول خانلری را می‌آورد که: «در سراسر آثار خواجه‌ی شیراز ابداً یک کلمه نیاورده‌ایم که مبتنی و متکی بر یکی از نسخه‌های اساس کار ما نباشد؛ یعنی هیچگاه کلمه‌ای از خود نیفزوده و نکاسته‌ایم و کلمه‌ای یا عبارتی را به حکم ذوق و سلیقه شخصی تغییر نداده یا در آن تصرفی روا نداشته‌ایم و اگر در چند مورد اظهار نظری کرده‌ایم در حاشیه‌ی متن اشعار بوده و بدان تصریح شده است» (نیساری، ۱۳۶۷: ۱۷۳)

برخلاف نظر مصحح که می‌گوید تصحیح‌های قیاسی وارد متن نشده‌اند، چند مورد وارد متن شده‌اند؛ برای نمونه:

۱. در غزل ۲۰/۱- از مجموع ۸ منبع غزل، ۵ نسخه «گل حمرا» و ۳ نسخه گل «خمری» است که متن منتخب به صورت «گل خمری» نشان‌دهنده‌ی تصحیح قیاسی است که در قسمت اختلاف نسخه‌ها هم به آن اشاره‌ای نشده است.

۲. در غزل ۲۵، مصراع دوم بیت دوم به صورت «وقت رندی و طرب‌کردن زندان برجاست» ضبط شده و در بخش ویژه‌ی اختلاف نسخه‌ها هم قید شده که متن، تصحیح قیاسی است.

۱۱۹ — مجله‌ی حافظ پژوهی، شماره‌ی ۲۳، سال ۲۳ (دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲)، بهار ۱۳۹۹
۳. در غزل ۳۷۲/۲، در متن «عبوس زهد به وجه خمار بنشیند» آمده و در قسمت نسخه‌بدل‌ها گفته شده که همه‌ی نسخه‌ها «نشینند» است و «بنشیند»، تصحیح قیاسی است.

۴. در غزل ۲۲۷/۷ متن منتخب «تا وقت آن برآید» است که متکی بر هیچ‌یک از نسخه‌بدل‌ها نمی‌باشد.

۵. در غزل ۲۵۷/۵ متن «اگرچه مست خرابی» است که باز متن منتخب، پشتوانه‌ای ندارد. در صفحه‌ی ویژه‌ی نسخه‌بدل‌ها برخی نشانه‌های اختصاری غزل‌ها از قلم افتاده و اصلاح نیز نگردیده‌اند که می‌توانند موجب نارسایی در بررسی‌های مربوط به پشتوانه‌ی متن گردند.

در ترتیب ابیات غزل‌ها و نقل نسخه‌بدل‌ها از جمله در معرفی نسخه‌بدل‌ها و ضبط آن‌ها و مواردی دیگر نیز اشتباه‌هایی رخ داده است که برای پرهیز از طولانی‌شدن کلام از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب مقدمه‌ای بر متن غزل‌های حافظ صفحه‌های ۱۷۵ تا ۱۸۰ مراجعه کنند.

آن‌گونه که در مقدمه‌ی چاپ اول تصحیح خانلری آمده است، کار مقابله‌ی نسخه‌های عکسی و پاک‌نویس متن به دست کارمندان فرهنگستان ادب و هنر وقت انجام گرفته و مصحح با اعتماد به دقت و موشکافی متصدیان مورد اشاره، دیگر اقدام به مقابله‌ی ضبط نسخه‌های خطی را با متن منتخب و قسمت نسخه‌بدل‌ها ضروری ندانسته و در جلد دوم آورده است که «متن و حاشیه مورد تجدیدنظر واقع شده و تصحیح‌هایی که لازم به نظر آمده در آن انجام گرفت...» (همان: ۱۸۹)

بنا به گفته‌ی نیساری میزان اشتباه‌ها به حدی است که بسیاری از بررسی‌های پژوهشی را از بابت کشف پشتوانه‌ی قرائت‌های متن یا آگاه‌ساختن از ضبط اصلی نسخه‌های خطی نااستوار می‌سازد؛ برای مثال در غزل شماره‌ی ۳۷۸، مصراع اول بیت ۵ در متن منتخب، «برو ای طایر میمون همایون‌آثار» به ضبط منحصر در نسخه‌ی «ل» (چاپ قزوینی) مستند می‌باشد؛ اما از یادداشت پاورقی صفحه‌ی ۲۶۵ چاپ قزوینی برمی‌آید که متن این مصراع از شرح سودی و چاپ سنگی تبریز گرفته شده است.

در غزل شماره‌ی ۲۸۵ نیز بیت نهم به صورت «بدان گهر نرسد دست هر گدا حافظ» است که در ۱۱ نسخه آمده و چهار نسخه بیت ۹ را ندارند و در صفحه‌ی مقابل

برای هفت نسخه‌ی باقیمانده، نسخه‌بدل‌های متفاوتی مانند «بدان کمر» و «به آن کمر» قید گردیده است که با این حساب، نسخه‌بدل مربوط به نسخه‌ی «ی»، «به آن گهر» است ولی این نسخه‌بدل هم از روی متن چاپی نقل شده است و ضبط اصلی نسخه‌ی «ی»، «به آن کمر» می‌باشد.

۳. نتیجه‌گیری

در حوزه‌ی علوم انسانی، پژوهش‌های ادبی، دامنه‌ای وسیع دارند و در پژوهش‌های ادبی نیز، کارنامه‌ی حافظ‌پژوهی، دفتری پر برگ و بار دارد و از میان حافظ‌پژوهان نیز نام سلیم نیساری به روشنی می‌درخشد. پژوهش‌های اساسی نیساری را در حوزه‌ی حافظ‌پژوهی به منزله‌ی سه‌ضلع یک مثلث می‌توان مطرح کرد که در عین پیوندداشتن با هم، از استقلال لازم نیز برخوردارند و نگارنده آن‌ها را «سه‌گانه‌ی نیساری» نامیده و براساس یکی از آن‌ها یعنی کتاب *مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ*، از سه نقد ایشان بر سه تصحیح معروف از دیوان حافظ، گزارشی را ارائه کرده است. آنچه از این گزارش یا مقاله می‌توان نتیجه گرفت، در سه بند و به صورتی فشرده به شرح زیر یاد می‌شود:

۱. حضور مکتوب نیساری در حوزه‌ی حافظ‌پژوهی، خیلی برجسته‌تر از حضور شفاهی ایشان در این عرصه است.

۲. پشت‌کار و دقت مثال‌زدنی و ستودنی نیساری، نه‌تنها دو عامل مهم توفیق ایشان در پژوهش‌هایش بوده است، بلکه با قاطعیت می‌توان گفت که هر جا این دو مهم دست به دست هم دهند، کارهایی ارجمند و ماندگار رقم می‌خورند.

۳. به‌نظر می‌رسد آنچه بیش از بقیه‌ی موضوع‌ها در حوزه‌ی حافظ‌پژوهی می‌تواند سازنده و راهگشا باشد، نقد پژوهش‌های انجام‌گرفته به‌ویژه نقد کارهای مطرح از پژوهشگران صاحب‌نام است؛ چنانکه در سه نقد عالمانه و موشکافانه‌ی نیساری به روشنی می‌توان دریافت که از نام‌های بزرگی مانند زنده‌یادان قزوینی و خانلری نیز ممکن است خطاهای بزرگی سر بزنند که بیان آن‌ها برای دیگران، می‌تواند مایه‌ی عبرت و دقت بیشتر در کارهایشان شود.

یادداشت‌ها

۱. خرمشاهی، بهاء‌الدین. *غزل‌های حافظ* (تدوین سلیم نیساری)، انتشارات الهدی، چاپ دوم (۱۳۷۱).
۲. کتاب دیگر نیساری که گسترش یافته‌ی کتاب *مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ* اوست، کتاب *تبصره‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ* نام دارد که چاپ نخست آن در سال ۱۳۹۲ در انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ۲۰۸ صفحه به چاپ رسیده است.
۳. نیساری سال‌ها پیش، از دیوان حافظ نسخه‌ای با عنوان *غزل‌های حافظ* را چاپ کرد که از پشتوانه‌ی نسخه‌های زیادی برخوردار نبود و پس از آن براساس *چهل‌وسه نسخه‌ی خطی قرن نهم غزل‌های حافظ* را تصحیح کرد که به خط محمد سلحشور و به همت انتشارات بین‌المللی المهدی (چاپ دوم ۱۳۷۱) چاپ شد و در سال ۱۳۷۷ براساس *چهل‌وهشت نسخه‌ی خطی سده‌ی نهم*، دیوان حافظ را در انتشارات سپینانگار به چاپ رساند و ویرایش دوم آن را براساس ۵۱ نسخه‌ی قرن نهم در انتشارات سخن از چاپ درآوردند. البته در مقدمه‌ی دفتر دگرسانی‌ها در *غزل‌های حافظ* (چاپ فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۸۵) پنجاه نسخه‌ی مورد توجه ایشان قرار گرفته است.
۴. برای آگاهی بیشتر از چگونگی نسخه‌ها و مراحل کار، به مقدمه‌ی مفصل دفتر *دگرسانی‌ها* رجوع شود.
۵. برای آگاهی بیشتر از شیوه‌ی کار در تصحیح دیوان حافظ، به مقدمه‌ی آن یا مقدمه‌ی دفتر *دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ* می‌توان مراجعه نمود.
۶. برای آگاهی از غزل‌های مکرر می‌توان به *مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ*، صفحه‌ی ۱۰۶ رجوع کرد.
۷. ص ۱۰۶. *ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
۸. همان: ۱۰۸.
۹. همان: ۱۰۹-۱۱۰.
۱۰. همان: ۱۱۱-۱۱۴.
۱۱. همان: ۱۵۷-۱۵۸.
۱۲. همان: ۱۶۰-۱۶۳.

منابع

نیساری، سلیم. (۱۳۶۷). *مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ*. تهران: چاپخانه‌ی بهمن.

_____ (۱۳۷۱). غزل‌های حافظ. تهران: الهدی.

_____ (۱۳۸۵). دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ. (دو جلد)، تهران:

فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

_____ (۱۳۸۷). دیوان حافظ. تهران: سخن.

_____ (۱۳۹۲). تبصره‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ. تهران: فرهنگستان زبان

و ادب فارسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی